

نقش بزه‌دیده در نقض رابطه استناد در حقوق ایران

علی شفاهی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم، اساسی و تعیین کننده در فرایند دادرسی تعیین مجرم اصلی و کشف رابطه علیت بین رفتار مجرمانه با نتیجه مجرمانه است که از آن تعبیر به رابطه علیت یا سببیت می‌شود. اصل اولیه این است که هر کسی عمل غیر قانونی و مجرمانه نسبت به دیگری انجام دهد مسئولیت آن با او است مگر شخص دیگری با اراده آزاد در زنجیره علیت دخالت و آن را قطع کند. یکی از افرادی که می‌تواند زنجیره علیت را قطع کند خود قربانی و بزه‌دیده است که می‌تواند این رابطه را قطع کند و نتیجه مجرمانه متوجه خود او گردد. در این مقاله تلاش شده است که در چه مواردی رفتار بزه‌دیده می‌تواند ناقض و قاطع زنجیره علیت در پدیده مجرمانه باشد. رفتارهای ارادی و غیرارادی بزه‌دیده، ترک فعل و عدم اقدام بزه‌دیده، شرایط خاص بزه‌دیده، رضایت و تن دادن او به رفتار مجرمانه مواردی است که مورد بحث قرار گرفته است. قاعده کلی آن است که اگر عامل مداخله‌گر اعم از اینکه بزه‌دیده یا شخص ثالث باشد، اگر با اراده و آگاهی اقدام کرده باشد مسئولیتی بر عهده عامل علت بعید نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: رابطه سببیت، بزه‌دیده، رفتار ارادی، رفتار غیرارادی، عدم اقدام بزه‌دیده، رضایت قربانی

^۱. دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفیٰ العالمیه خراسان

جرم رفتاری است که از مجموعه‌ای عناصر و شرایط تشکیل می‌گردد و تحت فرایند خاصی محقق می‌شود. یکی از مهمترین شرایط تحقق جرایم مشارکت افراد متعدد در فرایند ارتکاب جرم و میزان انتساب نتیجه حاصله به افراد می‌باشد. آنچه که بیشتر در کتب حقوقی مطرح شده است مشارکت افراد علیه دیگری است. اما گاهی ممکن است در فرایند تحقق جرم بزه‌دیده یا قربانی نیز دخالت داشته باشد. ممکن است دخلت بزه‌دیده در فرایند تحقق جرم کلا یا بعضا از مسئولیت مرتکب اولی بکاهد و نتیجه مجرمانه به خود او منتسب شود. قاعده اصلی و کلی این است که اگر شخصی عمل غیرقانونی نسبت به دیگری انجام داد نتایج حاصله به او منتسب گردد مگر عامل دیگری رابطه علیت را قطع کند. مهم‌ترین بحث در نقض رابطه علیت این است که اعمال آزاد و ارادی افراد ثالث رابطه علیت را نقض می‌کند. اصل این است که هر کس مرتکب عملی شد باید نتایج حاصل از عمل خود را بپذیرد. اما اگر شخص دیگری که دارای مسئولیت کیفری است آزادانه، عمدی و آگاهانه مرتکب عملی شود این رابطه علیت و زنجیره علیت را از گردن شخص اول باز کرده و به گردن خود می‌اندازد. یکی از موارد بحث‌برانگیز و چالشی این است که آیا رابطه علیت میان رفتار مجرمانه و جرم توسط اقدامات خود بزه‌دیده نقض می‌شود یا خیر؟

در مورد پیشینه موضوع این نوشتار باید متذکر شوم که مقاله یا کتابی عین این عنوان و یا عنوان مشابه که در خصوص نقش بزه‌دیده در نقض رابطه علت در حقوق کیفری بحث نموده باشد پیدا نکردم، اما کتاب‌هایی که مرتبط با این موضوع بوده و به نوعی اشاره به این موضوع دارند موجود می‌باشد. مانند: «رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان» سید یزدالله طاهری نسب ۱۳۸۸، «رابطه سببیت در حقوق کیفری» محمود نجیب حسنی ۱۳۸۹، و موارد دیگر. همچنین مقالاتی مانند «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» فرید محسنی و نصیر ملکوتی در مجله حقوق دادگستری ۱۳۹۴، «نقش رفتار مقتول در رابطه استناد قتل عمدی» کیومرث کلانتری و بهروز قلیزاده در فصلنامه حقوق کیفری ۱۳۹۶، «تأثیر رضایت در جنایت» حسین میرمحمد صادقی، منتشر شده در دایره‌المعارف حقوق جنایی اشاره نمود. در این موارد فقط در حد اشاره بیان شده است که رفتار بزه‌دیده هم می‌تواند در فرایند تکوین جرم رابطه استناد را متزلزل کند و عمل مجرمانه منتسب به او هم شود.

مطالعه نقش و جایگاه بزه‌دیده به عنوان یکی از کنشگران اصلی ارتکاب عمل مجرمانه می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرایند ارتکاب جرم و صدور حکم مجازات شود. منظور از نقش بزه‌دیده یا قربانی در نقض رابطه علیت، فرض این است که

رفتاری غیر قانونی در راستای ارتکاب جرمی از طرف مرتکبی علیه قربانی صورت گرفته است اما قبل از تحقق نتیجه مجرمانه خود قربانی با دخالت خود روند تحقق نتیجه را تسریع می‌کند. حال سؤال این است که در چنین فرضی رابطه علیت بین نتیجه حاصل و رفتار مرتکب اصلی و رفتار مداخله‌گر قربانی به چه صورتی است؟ آیا رفتار قربانی زنجیره علیت را پاره می‌کند یا خیر؟ اگر نقض می‌کند با چه شرایط و گستره‌ای این اتفاق می‌افتد؟ تأثیر بره‌دیده در ارتکاب جرم را می‌توان به چند صورت مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

۱- فعل قربانی و نقض رابطه علیت

مهم‌ترین بحث در رابطه علیت این است که اعمال آزاد و ارادی افراد ثالث رابطه علیت را نقض می‌کند. گاهی اتفاق می‌افتد که رفتار خود قربانی قابلیت این را دارد که زنجیره ارتباط میان رفتار متهم اصلی را با نتیجه مجرمانه قطع کند و نتیجه مجرمانه منتسب به رفتار خود قربانی باشد. مثلاً اگر بعد از رفتار متهم قربانی عملی انجام داد که موجب تشدید وضعیت خود شد، آیا عمل قربانی رابطه علیت را نقض می‌کند یا خیر؟ پزشک توصیه‌هایی کرده که باید انجام دهد، مثلاً دارویی خاص را باید مصرف کند، مایعات یا غذای خاصی را باید مصرف کند، از انجام این دستورات خودداری می‌کند. یا اینکه بحث پزشک نیست، بعد از جراحی خود قربانی به خاطر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، بی‌دقتی یا خود درمانی که می‌کند باعث تشدید وضعیت خود می‌شود. عمل قربانی فقط در مورد جراحی نیست در موارد دیگر هم مثل اینکه کسی را داخل رودخانه انداخته‌اند می‌تواند خود را نجات دهد اما تلاشی نمی‌کند. در فقه داریم مثلاً کسی را در آتش می‌اندازند و خود را نجات نمی‌دهد. به هر دلیلی کوتاهی می‌کند (مثلاً دنبال بهانه برای خودکشی است) بحث‌های واقعی هستند که در هر نظامی ممکن است مطرح شوند. مداخله مجنی علیه در زنجیره علیت را می‌توان به چند صورت تصور نمود که هر کدام نتیجه خاصی را در پی خواهد داشت.

در حقوق کیفری یکی از ارکان جرم اثبات رابطه استناد بین رفتار ارتكابی و نتیجه مجرمانه است که در تعیین مجرم و مجازات او نقش اساسی دارد. اثبات رابطه سببیت همان‌طور که در مورد رفتار یک عامل بیرونی اهمیت دارد نسبت به رفتار تأثیرگذار خود قربانی نسبت به عمل مجرمانه واقع شده بر او هم اهمیت دارد. همان‌طور که اشاره شد رفتار آزادانه، ارادی و آگاهانه شخص اعم از اینکه ثالث باشد یا خود قربانی زنجیره علیت را نقض می‌کند، چون مبنای اولیه و پایه بنیادین رکن روانی و مسئولیت و اهلیت جزایی اراده است. وجود عمد و اراده چه در جرائم عمدی و چه در جرائم غیر عمدی لازم و

ضروری است و از ارکان تشکیل دهنده رکن روانی جرم شمرده می‌شود. مفهوم اراده در اصل و لغت به معنای شوق، کشش و گرایش نفس به سوی انجام عمل است. برخی آن را به عام و خاص تقسیم کرده‌اند و معنای عام آن را دوست داشتن و معنای خاص آن را تصمیم مبتنی بر تصور و تصدیق فایده و عمل و قصد بالفعل دانسته‌اند (قیاسی، ساریخانی، خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). در تعریف دیگر اراده حالت نفسانی و روانی است که ظاهراً منشأ و محور آن مغز و اعصاب می‌باشد و در عرف حقوق جزا مقصود از اراده خواستن فعل یا ترک فعل است (پاد، ۱۳۵۲: ۱۷۲). ساده‌ترین و بلکه عملی‌ترین راه ممکن برای دریافت مفاهیم درونی و از آن جمله اراده مراجعه به حاکمیت وجدان است. قضاوت وجدان حاکی از آن است که انسان در اعمال خویش اراده دارد و این امر موضوعی است که نه تنها به تأیید مکاتب مذهبی و اجتماعی رسیده است، بلکه عملاً به وسیله طرفداران جهان‌بینی فلسفی علمی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (قیاسی، ساریخانی، خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۴۴). بنابراین مداخله قربانی در زنجیره علت جرم یا ارادی است و یا غیرارادی که نتایج متفاوتی را در پی دارد.

۱-۱. غیرارادی و تحت تأثیر رفتار متهم بودن فعل قربانی

گاهی مجنی علیه به خاطر آشفتگی روانی و تحت تأثیر رفتار متهم به صورت هیجانی و غیرارادی دست به اقداماتی می‌زند. مثلاً «الف» با قصد جنایت به طرف «ب» حمله کند و «ب» از ترس از جا پریده و فرار کند و آسیب ببیند، چه کسی مسئول است؟ در کامن لا گفته شده است که چنین اقدامات هیجانی که برای اجتناب از صدمه انجام می‌شود کاملاً طبیعی است و لذا می‌توان گفت که «الف» سبب قانونی چنین نتایجی است و اقدامات حائل غیرارادی «ب» موجب انتفاء مسئولیت «الف» نخواهد بود (لفیو، ۲۰۱۰: ۴۸). در حقوق ایران هم به نظر می‌رسد که اگر اقدامات مجنی علیه غیرارادی، اضطراری و کلاً قابل توجیه و قابل پیش‌بینی باشد زنجیره علت را قطع نمی‌کند (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۲۵). در کامن لا گفته شده وقتی مجنی علیه برای رهایی از درد و رنج بسیار شدید ناشی از جراحات وارده از سوی متهم اقدام می‌کند و دست به خودکشی می‌زند یک اقدام غیرعادی و غیرطبیعی نیست. هر چند ایراد صدمه ارادی معمولاً برای قطع زنجیره سبب قانونی کافی است اما در موردی که متهم با ایجاد وضعیتی آن‌چنان رنج‌آور و تنفرآمیز مرگ را مرجح می‌سازد و موجب خودکشی مجنی علیه می‌شود وضع به گونه‌ای دیگر خواهد بود (لفیو، ۲۰۱۰: ۵۱) کامن لا مبنایش این است که متهم به شکل غیرقانونی جرم و جنایتی علیه قربانی انجام داده است و اصولاً باید تبعات رفتار خود را بپذیرد، جز استثنائاتی که در موارد خیلی خاص و محدود، ممکن است عمل

قربانی ناقض رابطه علیت باشد. ولی این تمایل، تمایلی بسیار ضعیف است. گرایش به این سمت است که متهم (کسی که جراحت اولیه را وارد کرده است یا باعث شده که جراحات اولیه وارد شود) مسئول است. در کامن لا این امکان است که عمل قربانی با شرایطی ناقض رابطه علیت باشد، ولی اصل را بر مسئولیت متهم و جانی می‌گیرند که یا جنایت را مرتکب شده است یا سبب جنایت شده است. در پرونده «دالی» قربانی به خاطر فرار از متهم آسیب می‌بیند و مسئول فرد تعقیب کننده است. رویه قضایی انگلستان و کامن لا به قول قاضی «استفن سن» عمل قربانی کاملاً احمقانه (Daft) باشد، می‌تواند زنجیره علیت را قطع کند یعنی رفتاری که از هیچ کس قابل پیش‌بینی نیست. مثلاً به کسی متلک یا فحشی داده‌اند و برود خودکشی کند به دلیل اینکه بگوید برای من قابل تحمل نیست که کسی به من چنین اهانتی کند. حتی در این فرض هم تردید کرده‌اند اما ظاهراً این فرض را عمل احمقانه می‌دانند و می‌تواند رابطه علیت را نقض کند. (جوان جعفری، جزوه کلاس)

در حقوق ما و فقه به این راحتی مسئولیت سبب (متهم) را نمی‌پذیریم. علتش هم این است که ما رابطه علیت را بیشتر مادی می‌بینیم در حالی که در کامن لا رابطه علیت را بیشتر معنوی می‌بینند. یعنی باید دید که در این عمل اخلاقاً چه کسی بیشتر قابل سرزنش است، اما ما بیشتر به ظاهر رفتار نگاه می‌کنیم که این عمل از چه کسی سر زده است و می‌گوییم خود قربانی انجام داده است، خودش بی‌احتیاطی کرد و در حال دویدن افتاد و آسیب دید. البته اگر واقعاً ثابت شود که کاملاً اراده قربانی زایل شده باشد و هیچ‌گونه اراده‌ای نداشته باشد مسئولیت متهم اصلی را می‌پذیرد. (جوان جعفری، جزوه کلاس) این امر در ماده ۴۹۹ قانون مجازات ۹۲ اشاره شده است «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسئول است».

اصولاً اگر دخالت عامل انسانی مداخله‌گر (قربانی) تحت تأثیر عملکرد متهم سابق بوده باشد رابطه علیت قانونی قطع نمی‌شود هر چند رابطه علیت حقیقی قطع می‌شود. یکی از مهم‌ترین معیارهای احراز وابستگی مداخله‌علت دخیل به علت سابق قابلیت پیش‌بینی مداخله است. در حقوق انگلستان مداخله قابل پیش‌بینی رافع مسئولیت عامل علت سابق نمی‌باشد. در مقابل در حقوق ایران اصولاً این قاعده پذیرفته نشده است، بنابراین هر جا مداخله قابل پیش‌بینی باشد باز هم تمایلی قوی در رویه قضایی و آرای فقها و حقوقدانان وجود دارد که علت دخیل رابطه علیت را قطع نمی‌کند. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۵۷۶)

۱-۲. ارادی و اختیاری بودن فعل قربانی

مراد از ارادی بودن رفتار قربانی این است که در زمان اجرای عمل برخوردار از اراده معتبر جزایی باشد. به نحوی که بتوان او را واجد قدرت انتخاب میان مداخله و ارتکاب عمل و انصراف از آن تلقی کرد. پس اگر «الف»، «ب» را به روی شخص ثالثی هل بدهد، «ب» عامل بی اراده و غیر مسئولی است و دخالت وی تأثیری در مسئولیت «الف» ندارد. باید متذکر شد که بی ارادگی در صورتی ناقض رابطه علیت نیست که در اثر عملکرد متهم ایجاد شده باشد. به صورت کلی اگر عملکرد قربانی آزادانه، غیرعادی، سرزنش پذیر و مستقل باشد رابطه علیت را قطع می‌کند. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۲۵)

در حقوق کیفری ایران قاعده کلی آن است که اگر عامل مداخله‌گر اعم از اینکه بزه‌دیده یا شخص ثالث باشد، اگر با اراده و آگاهی اقدام کرده باشد مسئولیتی بر عهده عامل علت بعید مستقر نخواهد بود. به عنوان مثال ماده ۵۰۷ قانون مجازات ۹۲ مقرر می‌دارد «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.»

در فقه قاعده‌ای داریم تحت عنوان «قاعده اقدام» که در حقوق مدنی مطرح است که طبق آن اگر کسی در مال خود اقدامی کند که به ضررش باشد، کس دیگری نسبت به این اقدام و به نفع او هیچ مسئولیت قهری یا مسئولیت مدنی نخواهد داشت. بنابراین اگر مالک در عقد فاسدی مال را به خریدار تسلیم کند و به او اذن تصرف بدهد و پس از آن مال خود به خود یا توسط خریدار یا توسط شخص ثالثی که خریدار، مال را در اختیار وی قرار داده تلف شود، خریدار در مقابل مالک مسئولیتی نخواهد داشت. چرا که مالک از طریق اقباض (در اختیار مشتری گذاشتن) مال خود، به ضرر خود اقدام نموده است و قانون از چنین کسی حمایت نمی‌کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۷۵) قاعده اقدام با وجود آنکه عمدتاً در مسائل مالی و مدنی اعمال می‌شود لکن در مواردی که شخصی به ضرر جان و اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به وی و امکان فرار وی اقدام کند، نیز می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۸۵) بررسی دیدگاه فقها نشان می‌دهد که این قاعده منحصر در موارد مالی نیست. مانند آنکه اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری خود را به عمد در آن بیندازد و بمیرد حفر کننده چاه ضامن نیست؛ زیرا متوفی به زیان خود اقدام کرده است و عمل او رابطه سببیت میان زیان و فعل حفر کننده را قطع می‌کند (سرخسی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۵۱). یا اگر کسی پوست هندوانه یا آب در مسیر بریزد و عابر با وجود علم به لغزنده بودن از آن دوری نکرده و پای خود را روی آن بگذارد و

بلغزد و آسیب ببیند غیر خودش کسی دیگر ضامن نیست. به باور فقها دلیل حکم فوق اقوی بودن مباشر(بزه‌دیده) است.^۱ (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳، ص ۱۲۸) در برخی موارد ممکن است بزه‌دیده رفتار تقصیرآمیزی مرتکب شود که در جمع با رفتار مرتکب اصلی منجر به زیان و خسارت شود. در این موارد هم اقدام بزه‌دیده به عنوان جزء‌العله در بروز خسارت و جرم نقش دارد. به عنوان مثال در موردی که سه نفر با هم دیواری را خراب کنند یا چاهی حفر کنند چنانچه دیوار یا چاه بر روی یکی از آن‌ها بریزد و او را بکشد، شریکان بازمانده باید دو سوم دیه متوفی را بپردازند و یک سوم هم به خاطر نقش تقصیر زیان‌دیده و یا اقدام او به خسارت ساقط است. (طباطبایی، ۱۴۲۲، ج ۱۶، ص ۳۹۲)

استناد به قاعده اقدام در احکام دادگاه‌ها هم مشاهده می‌شود به عنوان نمونه در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ ساعت ۸ شب خانم «ل» برای بحث و گفتگو در باب مسئله‌ای شخصی در شهر «سر بندر» سوار خودروی «ک» گردید. بعد از مشاجره و گفتگوهای بی حاصل آقای «ک» به خانم مذکور می‌گوید که باید تو را به «امیدیه» ببرم تا چند تن از دوستانم که با آن‌ها تبانی کرده‌ام به تو تجاوز کند. به این منظور ناگهان وارد جاده برون‌شهری منتهی به امیدیه شد و سرعت خودرو را زیاد کرد. در همین حین «ل» خود را از ماشین به بیرون پرت کرد و دچار صدماتی شد. شعبه اول دادگاه عمومی بندر امام خمینی طی حکم صادره شماره ۱۵۹/۸۵ در خصوص شکایت خانم مذکور علیه متهم‌چنین استدلال کرد: «... در مورد ضرب و جرح عمدی نظر به اینکه تهدیدات متهم و ترس ناشی از آن اراده و اختیار را از شاکیه سلب نموده و شاکیه با اختیار و اراده خود را از خودرو به بیرون پرت نموده است و این مطلب از اظهارات شاکیه به این مضمون که «اگر مرا پیاده نکنی من خودم را پرت می‌کنم» به خوبی استنباط می‌گردد و با عنایت به اینکه در صورت اجتماع سبب و مباشر مسئولیت بر عهده مباشر است و در مانحن فیه شاکیه مباشر و با توجه به قاعده فقهی اقدام حکم به برائت صادر می‌شود» (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۴۷)

اما در پرونده مشابهی در حقوق کامن‌لا در پرونده روبرتس^۲ ۱۹۷۱ متهم پس از پایان یک مهمانی دختری را سوار خودرو کرد و در مسیر حرکت به او پیشنهاد روابط جنسی داد و آن خانم مخالف نمود و روبرتس با تهدید شروع به لمس نمودن او نمود و مجنی‌علیه از خودروی در حال حرکت بیرون پرید و جراحاتی به او وارد شد. روبرتس مطابق بخش ۴۷ قانون جرائم علیه اشخاص ۱۸۶۱ به جرم ایراد صدمه جسمانی واقعی محکوم شد. تقاضای استیناف متهم بر این امر استوار بود که قربانی اقدام مداخله‌گری انجام داده که ارتباط علیتی با اعمال او ندارد و صدمات وارده نیز به علت همین کار

^۱ "ولو تعمد المار وضع الرجل علیه وأمكنه العدول فلا ضمان" ولعله لقوه المباشر.

^۲ R. V. Roberts .۱۹۷۱

خطرناک قربانی در بیرون پریدن از خودرو ایجاد شده‌اند. «لرد استفنسون»^۱ در بخشی از رأی صادره که مبنی بر ابرام حکم بدوی بود اعلام کرد: «معیار مسئولیت متهم آن نیست که او عمل قربانی در بیرون پریدن از خودرو را شخصاً پیش‌بینی کرده باشد. همچنین ضرورت ندارد احراز شود که عمل قربانی اقدام معقولی بوده است. بلکه معیار اصلی این است که آیا اولاً بیرون پریدن قربانی نتیجه طبیعی تهدیدات متهم بوده است؟ و آیا به طور معقولی قابل پیش‌بینی بوده است که رفتار متهم منتهی به بیرون پریدن قربانی خواهد شد؟» او سپس با اعلام اینکه قربانی در اثر تهدیدات متهم و برای فرار از خطر ناشی از آن تهدیدات پریده، اظهار داشت: «بیرون پریدن قربانی به طور معقولی قابل پیش‌بینی بوده است.» ایشان در ادامه بیان داشت: «فقط در صورتی که رفتار قربانی کاملاً احمقانه و غیر منتظره بوده باشد که نه تنها متهم به طور واقعی آن را پیش‌بینی نکرده باشد، بلکه هیچ انسان معقول دیگری نیز قادر به پیش‌بینی آن در موقعیت وی نباشد، در چنین مواردی عمل قربانی رابطه علیت را قطع خواهد کرد.» (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۴۵) همان‌طور که مشاهده می‌شود این دو پرونده تقریباً با اتفاقات مشابه اما با احکامی متفاوت، که در پرونده اول به محکومیت قربانی ختم می‌شود و در پرونده دوم این متهم است که محکوم می‌شود. دلیل آن هم همان‌طور که اشاره کردیم این است که در نظام حقوقی ایران بیشتر نگاه عینی حاکم است اما در کامن لا بیشتر نگاه ذهنی حاکم می‌باشد.

در نظام کامن لا هم گاهی بر اساس دیدگاه عینی حکم می‌شود مثلاً، در دعوی هندریکسون^۲ در سال ۱۸۸۷ شوهری شب هنگام بعد از یک مشاجره خشونت‌بار زن خود را از منزل بیرون راند و در خانه را بست. زن در حالی که آن شب حدود ۴۵ سانتی‌متر برف باریده بود بیرون ماند، نه به خانه برگشت و نه از کسی کمک خواست. نهایتاً در اثر سرما جان سپرد. شوهر وی به اتهام قتل غیرعمدی محکوم شد. اما به دنبال تجدید نظر خواهی، دادگاه دیگری تشکیل شد. دادگاه با این استدلال که دلایل قانع‌کننده‌ای مبنی بر اینکه قربانی قصد بازگشت به خانه داشته و شوهرش مانع وی شده باشد در پرونده وجود ندارد و احراز اینکه بیرون ماندن متوفی در خارج از منزل به اراده‌ی خودش بوده است متهم را تبرئه کرد. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۳۵)

عده‌ای از حقوق‌دانان در مورد اقدام بر ضرر خویش برای دفع ضرر از دیگری قصد را شرط می‌دانند و بیان می‌دارند که بعضی از دانشمندان فقهی راجع به زیان و ضرر وارده از بعضی حوادث و اتفاقات استدلال می‌کنند که هرگاه کارگری در حین کار و بر اثر

۱. Lord Stephenson

۲. Hendrickson V Commonwealth ۱۸۸۷

حادثه‌ای ناقص شود یا فوت نماید، مانند بنا، نجار و یا مهندس از بالای داربست ساختمانی به پایین پرت شوند و زیان و ضرری به آنان برسد، این قبیل زیان‌ها نتیجه عمل و اقدام خود آنان می‌باشد؛ زیرا هر یک به میل و اختیار خود به ضرر خود اقدام نموده‌اند. اگر بنا یا نجار در بالای داربست به کار نمی‌پرداخت به حادثه و بدبختی گرفتار نمی‌شد. بنابراین خود آنان در حادثه و اضرار خودشان مباشرت داشته‌اند و به ضرر خود اقدام کرده‌اند و قاعده «اقدام علی ضرره» مانع از مسئولیت غیر می‌باشد و بعد از تبیین کلام فقها می‌گویند: این استدلال صحیح نیست؛ زیرا قاعده اقدام فقط ناظر به مواردی است که شخص عاقل و محتاط از آن پرهیز می‌کند. بنابراین وقتی کارگر در حین کار صدمه‌ای ببیند به هیچ وجه شامل «اقدام علی ضرره» نخواهد بود و صاحب کار و مالک یا منتفع از کار او بنا به قاعده تسبیب به ترمیم ضرر و زیان مسئولیت خواهد داشت. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۸۳)

آقای محمود نجیب حسنی عامل مداخله‌گر در زنجیره علل جرم را اعم از اینکه فعل قربانی یا فعل مستقل شخص ثالثی باشد در صورتی ناقض رابطه علیت می‌داند که «سبب طاری» باشد و در تعریف آن می‌گوید: «عاملی که در حضور متهم یا در زمان و مکانی که او کار خود را انجام داده است؛ ولی در هنگام رخ دادن نتیجه یا پیش از آن فعال شده است» در توضیح مطلب بیان می‌کند: «اگر متهم فعل خود را انجام دهد، مانند اینکه هنگامی که باد با سرعت زیاد می‌وزد در ساختمانی آتش بیفروزد و آتش به ساختمان دیگری کشیده شده در آن کسی را بکشد، باد سبب طاری شمرده نمی‌شود؛ زیرا در هنگام ارتکاب فعل از سوی متهم وجود داشته است. بنابراین رابطه سببیت میان فعل متهم و مرگ مجنی علیه موجود بوده است؛ اما اگر متهم در زمین خالی ماده‌ای یا جسمی مانند یک تکه سنگ یا ماده منفجره‌ای هم‌چون بمب ساعتی قرار دهد، سپس باد شدیدی بوزد و آن ماده یا جسم را به جای دیگری بیندازد به گونه‌ای که موجب آسیب یا مرگی کسی شود، باد سبب طاری است. (نجیب حسنی، ۱۳۸۵: ۳۸۴)

امام خمینی درباره مداوای جراحت توسط قربانی و اثر علی آن در رفع مسئولیت از جانی فرموده‌اند: «اگر او را مجروح نماید، پس خودش آن را به داروی سمی که به سرعت می‌کشد، مداوا نماید به طوری که قتل به آن استناد پیدا کند نه به جرح در نفس قود نمی‌باشد و در جرح قصاص است.» (امام خمینی ۱۳۸۴: ۲۷۷)

در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران مهم‌ترین ضابطه احراز و همچنین قطع رابطه علیت قواعد مادی علیت است. به بیان دیگر هرگاه واسطه مداخله‌گری اعم از ثالث، قربانی، طبیعت و یا حیوانی عملی انجام دهد یا علتی ایجاد نماید که باعث افول نیروی علی عمل عامل انسانی مقدم بر ایجاد صدمه گردد، به نحوی که این علت مداخله‌گر خود

موجب وقوع آن شود، تمایل غالب ناظر به قطع رابطه علیت میان عامل نخست و صدمه نهایی است. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۵۱) بنابراین اراده در وجود و عدم علت نقش اساسی دارد. آنچه مورد اختلاف است تعیین مصداق رفتارهای ارادی و غیرارادی است که موجب صدور آراء مختلف در درون یک نظام کیفری و یا نظام‌های کیفری مختلف می‌شود. ماده ۵۳۷ قانون مجازات ایران هم به این مطلب اشاره دارد: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست».

۲- ترک فعل قربانی و نقض رابطه علیت

یکی از موارد تردید در انتساب علیت قانونی وقوع جرم به متهم ناظر به حالتی است که پس از صدور رفتار با قابلیت ایجاد صدمه، قربانی جرم با اینکه می‌تواند از تحقق صدمه و جرم جلوگیری کند کاری نمی‌کند و اجازه می‌دهد که نتیجه مجرمانه و ممنوعه محقق شود. به عنوان مثال اگر کسی دست دیگری را قطع، یا مجروح کند و قربانی با اینکه می‌تواند آن را ببندد و مانع خونریزی شود، اما این کار را نمی‌کند و صدمه وضعیت وخیم پیدا می‌کند یا موجب مرگ او می‌شود. این تردید پیش می‌آید که مسئول کیست جراح یا خود قربانی؟

مشهور این است که ترک فعل در ایجاد یک پیامد نمی‌تواند مصداق علت مداخله‌گر مستقل و قاطع زنجیره علیت باشد. به عنوان مثال اگر کسی با گلوله دیگری را مجروح کند و پزشک عمداً و به قصد مرگ از مداوای مجروح استنکاف کند، نمی‌توان در فرضی که اگر درمان انجام می‌شد صدمه واقع نمی‌گشت، پزشک را از عدم مداوا قاتل تلقی کرد و رابطه علیت بین عمل شلیک کننده گلوله با مرگ را قطع شده بینداریم. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۶۰)

محمود نجیب حسنی در مورد عامل مداخله‌گر در زنجیره علیت اگر ترک فعل باشد، بیان می‌دارد: رویه قضایی بر مفهوم سبب طاری استثنایی وارد کرده و از گستره‌اش مفهوم عاملی که به گونه امتناع صرف است، یعنی به شکل عمل سلبی است را بیرون کرده است. فعل سلبی عامل طاری شمرده نمی‌شود. رویه قضایی عاملی را که به گونه امتناع از انجام وظیفه است، هرچند خودداری کننده قانوناً ملزم به عملی باشد که از آن سرباز زده است، در حکم وارد نشدن هیچ عملی در سلسله اسباب به حساب آورده است. در ادامه دلیل آن را اینگونه بیان می‌کند که رابطه سببیت میان فعل متهم و مرگ قربانی یا آسیب‌های شدید او با خودداری مجنی‌علیه از درمان خود یا امتناع پزشک از انجام

عملی که می‌تواند جان مجنی‌علیه را نجات دهد از میان نمی‌رود. (نجیب حسنی، ۱۳۸۵: ۳۸۵)

بعضی در بیان علت اینکه ترک فعل رابطه علیت را نقض نمی‌کند چنین می‌گویند: «اینکه ترک فعل قربانی نمی‌تواند رابطه علیت را نقض کند به خاطر این است که ترک اقدام از لحاظ مادی فاقد نیروی علیتی است؛ لذا نه قدرت و توان قطع زنجیره علیت را دارد و نه توان انحراف آن را؛ به بیان دیگر تارک فعل صرفاً سلطه نظارتی بر حادثه در حال وقوع دارد و نه سلطه علیتی، در مقابل متهم اصلی با ارتکاب فعلی فرایند علی واجد کفایت برای حدوث معلول را آغاز کرده است؛ لذا صرف سلطه نظارتی تارک فعل توان زایل کردن سلطه علیتی ناشی از عمل متهم اولیه و رفع مسئولیت از فاعل آن و انتساب آن به تارک فعل را ندارد» (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۶۱)

فقه‌های اسلامی ترک فعل قربانی را در مبحث قتل مورد بحث و نظر قرار داده‌اند و اغلب بر این عقیده‌اند که اگر مقتول قدرت نجات خود از مرگ را داشته باشد و با وجود این با ترک فعل مانع سرایت جرح و آسیب نشود و بمیرد به خاطر وجوب حفظ نفس قاتل نفس خود است. امام خمینی در مورد کسی که او را به آتش انداخته‌اند و خود را نجات نمی‌دهد در حالی که می‌تواند خود را نجات دهد، می‌فرماید: «اگر او را به آتش بیندازد ... در صورتی که عمداً و از روی سهل‌انگاری بیرون نیاید نه قود است و نه دیه قتل...» در مورد مغروق هم بیان می‌دارد: «اگر او را در دریا و مانند آن بیندازد... در صورتی که عمداً و از روی کوتاهی خارج نشود و یا شک در آن باشد حکم او مانند مسئله گذشته (مجروح) است» در مورد کسی هم که رگ او را زده‌اند می‌گوید: «و اگر رگ او را بزند و رهاش کند چنانچه بر بستن آن قدرت داشته باشد ولی عمداً و از روی سهل‌انگاری و کوتاهی آن را ترک کند تا بمیرد نه قودی است و نه دیه نفسی...» (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۲۷۷)

بعضی از فقها مانند محقق حلی در شرایع الاسلام بین ترک فعل‌های مختلف قاتل به تفصیل شده‌اند، ایشان عقیده دارند اگر کسی مقتول را در آتش بیندازد و او کشته شود باید در مورد قدرت مقتول در خروج از آتش تحقیق شود. ایشان در فرضی که در اثر شعله‌های آتش امکان خروج قربانی از آتش ممکن نباشد را قتل عمدی و موجب قصاص می‌دانند و علم قاضی به توان و تمکن قربانی در خروج از آتش را مهم ارزیابی کرده و گفته‌اند: اگر معلوم باشد که مقتول از روی اهمال از آتش بیرون نیامده است قصاصی در کار نیست؛ زیرا خود در مرگ خود اعانت کرده است و به ذهن خطور می‌کند که دیه‌ای هم به وی تعلق نگیرد به جهت اینکه وی در تلف نفس خود استقلال دارد. اما در موردی که مقتول از مداوای جراحات وارده بر خود خودداری کند و بمیرد قصاص را بر متهم

اصلی ثابت می‌داند. دلیل این اختلاف رأی را چنین بیان می‌کند که در صورت ترک مداوا بعد از مجروح شدن باز هم علت مرگ سرایت جرح به نفس است نه ترک مداوا لذا جراح ضامن است. اما در مسئله آتش تلف شدن مقتول معلول افتادن اولیه‌اش در آتش نیست بلکه ناشی از شعله‌های جدید است که اگر درنگ نمی‌کرد و بیرون می‌آمد حاصل نمی‌شد. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۶۱ و ۶۶۲)

در استفتائاتی از فقهای معاصر هم پرسیده شده: که دو نفر قصد خودکشی داشته‌اند بنا می‌گذارند با باز کردن شیر گاز شهری خود را خفه نمایند، نفر اول شیر گاز را باز می‌کند پس از مدتی حالت خفگی دست می‌دهد و نفر دوم جان خود را از دست می‌دهد ولی نفر اول از خودکشی منصرف شده و خود را نجات می‌دهد با توجه به اینکه خفگی نفر دوم در اثر باز کردن شیر گاز توسط نفر اول بوده است آیا می‌توان نفر دوم را به عنوان مباشر یا مسبب قتل تحت تعقیب قرار داد؟ آیت‌الله مکارم شیرازی در جواب بیان می‌کند با توجه به اینکه شخص مقتول با علم و آگاهی به قصد خودکشی در آنجا مانده و فرار نکرده است خون او هدر است؛ زیرا در اینجا مباشر اقوی از سبب است. آیت‌الله صافی گلپایگانی هم نظر مشابهی دارند. (کلانتری، قلیزاده، ۱۳۹۶: ۸۸)

بر اساس حقوق ایران که برگرفته از فقه می‌باشد اگر قربانی قادر باشد که وضعیت خود را بهبود ببخشد و خود را نجات دهد و اقدامی نکند، این عمل او ناقض رابطه علیت است. ضارب و جانی ضامن نیست یعنی از باب تشدید وضعیت ضامن نیست اما نسبت به جراحتی که وارد کرده است ضامن است، ولی نتیجه که قتل باشد به او منتسب نیست، در حالی که کامن لا با توجه به نگاه متفاوتی که دارد عکس این را می‌گوید. در قانون قبلی هم داشتیم که اگر کسی دیگری را داخل گودال آتشی بیندازد و او قادر باشد خود را نجات دهد و این کار را نکند کسی ضامن قتل او نیست و کسی که او را داخل آتش انداخته ضامن قتل او نمی‌باشد. به هر حال نقض رابطه علیت با ترک فعل به سختی امکان‌پذیر است. در شرایط خاص و استثنائی و ویژه ممکن است با ترک فعل نقض رابطه علیت اتفاق بیفتد. (جوان جعفری، جزوه کلاس)

به نظر می‌رسد مشکل در خصوص ترک فعل ناشی از تفاوت انفعال و عدم انفعال در کشف ذهنیت بزهکار است؛ چرا که در فعل، ما کاملاً به قصد بزهکار پی برده و می‌توانیم وی را شایسته برخورد کیفری بدانیم ولی در ترک فعل احراز این سؤنیت با دشواری روبرو است. شاید به دلیل وجود همین مشکل برخی حقوقدانان بر این نظر اتفاق کرده‌اند که ترک فعل در صورتی که مسبوق به یک فعل باشد می‌تواند از جمله عناصر مادی جرم قتل عمد به حساب آید؛ چرا که در این صورت دیگر احراز قصد مرتکب چندان دشوار نیست. (محسنی، ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۵۱)

در همین راستا ماده ۲۹۵ قانون مجازات ایران بیان می‌دارد: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.»

۳- شرایط خاص قربانی در نقض رابطه علیت

در برخی موارد همراه با رفتار مجرمانه متهم یک سلسله شرایط خاص در قربانی وجود دارد که نقش اساسی در پیدایش صدمه جزایی ایفا می‌کند. در موارد بسیاری دیده شده است که قربانی با وجود عمل مجرمانه و مؤثر متهم، مبتلا به یک بیماری یا وضعیت جسمی یا روحی خاصی بوده اگر نبود در اثر صرف عمل متهم به آن صورت و در آن زمان خاص فوت کرد، نمی‌مرد. دخالت حالات و شرایط خاص قربانی در تسریع نتیجه مجرمانه صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. هر کدام باید توسط محاکم موردی و جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

در حقوق کامن لا به ویژه انگلستان این وضعیت‌ها تحت عنوان قواعد «جمجمه ضعیف»^۱ یا «جمجمه تخم مرغی»^۲ مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرند. وضعیت‌های مشمول این قواعد شامل نارسایی‌ها، بیماری‌ها و کلاً آن دسته از شرایط زیستی می‌گردد که اگر چه شخص در اثر آن‌ها از زندگی متعارفی بهره‌مند نیست و در رنج و عذاب به سر می‌برد؛ ولی از سویی خطر مرگ یا قطع یا نقص عضو فوری او را تهدید نمی‌کند و او می‌تواند با همان شرایط ناسالم و غیر متعارف زیستی به زندگی خود ادامه دهد. مانند بیماران قلبی، کلیوی، هموفیلی و غیره. اما وضعیت‌های مصداق جمجمه ضعیف یا نازک شامل اوضاع مرگ‌بار و بحرانی ناشی از شرایط زیستی، وقوع سوانح و طغیان بیماری‌های کشنده است که خطر مرگ یا قطع یا نقص عضو فرد قوی، جدی و نزدیک است. در چنین حالتی اگر کسی با انجام عملی موجب مرگ یا آسیب طرف شود در حقوق کامن لا مسئولیت تام دارد. (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۸۵)

کامن لا در این مورد می‌گوید متهم مسئول وقوع نتیجه است حتی اگر شرایط قربانی برای متهم قابل پیش‌بینی نباشد. یعنی نسبت به او اطلاعات لازم را نداشته باشد و شرایط برای او قابل پیش‌بینی نباشد. کامن لا می‌گوید علم متهم به شرایط خاص

^۱. The thin skull rule.

^۲. The eggshell skull rule.

قربانی ملاک نیست. ویلیام ویلسون در این باره معتقد است: «در موردی که قربانی از یک وضعیت پزشکی موجود رنج می‌برد که موجب آسیب‌پذیری خاص وی در برابر جراحت وارده می‌گردد، قاعده معمول آن است که متهم باید قربانی خود را همان‌گونه که هست بپذیرد» (طاهری نسب، ۱۳۸۸: ۶۸۴) یعنی شما وقتی نسبت به کسی اقدام غیرقانونی کردید، کلیه نتایج حاصله از این اقدام غیرقانونی را باید بپذیرید و لو اینکه به شرایط جهل داشته باشید. اصولاً متهم ملزم به تحمل خطر صدمه‌ای است که با ارتکاب عمل غیرقانونی‌اش آن را ایجاد کرده است.

هارت و هونوره می‌گویند بیماری موجود یا آسیب‌پذیری بزه‌دیده نافی رابطه سببیت نیست. در خصوص رابطه سببیت اینکه آیا متهم از آسیب‌پذیر بودن بزه‌دیده مطلع بوده یا می‌توانسته است آن را پیش‌بینی کند، فاقد اهمیت است. این امر در پرونده **State v. Frazier** به روشنی بیان شده در این پرونده متهم مقتول را از ناحیه فک با ضربه مشت مجروح می‌کند که منتهی به بروز جرح مختصری در دهان مقتول می‌شود. مقتول مبتلی به بیماری هموفیلی بوده که متهم اطلاعی از آن نداشته است و به سبب این بیماری جرح وارده موجب خونریزی شد که طی ده روز ادامه پیدا کرده و به مرگ او منتهی شد. دادگاه تجدیدنظر حکم نمود که رأی دادگاه میسوری را مبنی بر اینکه ضربه وارده به طوری برای حیات خطرناک نبوده و اینکه متهم جاهل به ابتلای هموفیلی بوده است، مسموع نیست. (هارت، هونوره: ۹۹)

اما در حقوق کیفری ایران در بحث عمدی بودن قتل در ماده ۲۹۰ در مورد شرایط استثنایی فرض را بر عدم علم می‌داند و می‌گوید اصل این است که عالم باشد و اصل هم بر عدم علم است، یعنی فقط در صورت عالم بودن به شرایط خاص مقتول، قتل به او منتسب می‌شود و قتل عمدی می‌باشد. بند «پ» ماده ۲۹۰ چنین مرقوم شده است: «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد» بنابراین موضع اصولی نظام کیفری ایران آن است که در فرض وجود بیماری سابق در مقتول و جهل متهم به آن در صورتی که علت فوت باشد چنین قتلی عمدی نیست.

بنابراین بر خلاف کامن لا در حقوق کیفری ایران شرایط خاص قربانی که تأثیر در وقوع نتیجه مجرمانه دارد می‌تواند زنجیره علیت را میان رفتار متهم و نتیجه قطع کند

مگر در صورتی که متهم علم به آن ویژگی‌ها داشته باشد که در آن صورت وجود شرایط خاص تأثیری در مسئولیت او ندارد.

۴- رضایت قربانی و نقض رابطه علیت

در مورد اینکه آیا رضایت مجنی‌علیه در مسئولیت کیفری مرتکب مؤثر می‌باشد یا خیر؟ در دو بخش می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد. رضایت گاهی موجب عدم تکمیل ارکان جرم می‌گردد و گاهی بنابر نظر مقنن باعث عدم مسئولیت مرتکب می‌گردد. باید توجه داشت که رضایت در صورتی موجب قطع رابطه علیت از فعل مرتکب می‌شود که از سوی فرد دارای اهلیت و به طور آزادانه و با آگاهی کامل ابراز شود.

گاهی رضایت فرد نسبت به انجام یک عمل موجب عدم تحقق یکی از ارکان جرم می‌شود. مثلاً رضایت شخص بر برده شدن یا تخریب مالش توسط دیگری موجب عدم تحقق عناصر جرائمی مانند سرقت و تخریب می‌گردد. بنابراین رضایت آزادانه و آگاهانه می‌تواند مانع تحقق جرم شود. بر همین اساس در پرونده «دیکا»^۱ در سال ۲۰۰۴ صرف رضایت شخصی به برقراری رابطه جنسی با دیگری بدون اطلاع از آلوده بودن وی به ویروس اچ.آی.وی، به معنای رضایت او برای پذیرش خطر بیماری دانسته نشد و متهم از سوی محاکم انگلستان مسئول بیماری منتقل شده به قربانی شناخته شد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲:۲۹۱)

گاهی بعضی از رفتارهای جرم‌زا با توجه به فایده و مقبولیت اجتماعی که دارند، قانون رضایت شخص را در قبال صدمات و جراحات وارده، رافع مسئولیت طرف مقابل می‌داند. نمونه بارز فعالیت‌های مفید را می‌توان اعمال پزشکی دانست. طبق بند ج ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آن‌ها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود.» بر اساس این متن قانون رضایت قربانی با حکم قانون رابطه علیت بین فعل مرتکب و مسئولیت او را قطع نموده و مسئولیت را از مرتکب سلب می‌کند.

نمونه فعالیت‌های مقبول اجتماعی که صدمات ناشی از آن وصف مجرمانه ندارد، فعالیت‌های ورزشی است. در فعالیت‌های ورزشی و همانند آن به نوعی رضایت قربانی در پذیرش صدمات نهفته است. البته مطابق با قانون این عدم مسئولیت مرتکب به شرطی محقق می‌شود که مطابق بند ث ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ایران «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن

۱. Dica.

ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.» بر اساس قانون ورزشکار با دو شرط از مسئولیت معاف می‌شود؛ اولاً، مقررات ورزش مربوطه مخالف شرع نباشد. ثانیاً، ورزشکار مقررات مربوطه آن رشته ورزشی را رعایت کرده باشد. بر این اساس ورزش‌هایی مانند مشت‌زنی حرفه‌ای، کشتی کج و نظایر آن‌ها به خاطر اینکه خلاف شرع می‌باشند حتی اگر مقررات مربوط به آن را رعایت کند باز هم رافع مسئولیت نیست. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۹۵)

نتیجه

نقش و جایگاه بزه‌دیده به عنوان یکی از کنشگران اصلی ارتکاب عمل مجرمانه می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرایند ارتکاب جرم و صدور حکم مجازات شود. منظور از نقش بزه‌دیده یا قربانی در نقض رابطه علیت، این است که رفتاری غیر قانونی مجنی علیه صورت گرفته است اما قبل از تحقق نتیجه مجرمانه خود قربانی با دخالت خود روند تحقق نتیجه را تسریع می‌کند. در مورد نقض رابطه علیت باید رابطه معقول باشد یعنی بین فعل، ترک فعل و شرایط خاص قربانی و نتیجه ارتباط معقولی باشد تا بتواند رابطه علیت را قطع کند. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت نقض رابطه علت از سمت مجنی علیه می‌تواند به صورت مختلفی محقق شود. همان‌گونه که در متن هم مورد تأکید قرار گرفت شاه کلید رابطه علیت در جرائم، آزادانه، ارادی و آگاهانه بودن رفتار اعم از فعل یا ترک فعل می‌باشد. بر این اساس نقش رفتار بزه‌دیده در نقض رابطه علیت در جرائم متوقف بر این آزادی، اراده و آگاهی او می‌باشد. به طور کلی رفتار آزادانه، ارادی و آگاهانه شخص اعم از اینکه ثالث باشد یا خود قربانی زنجیره علیت را نقض می‌کند، چون مبنای اولیه و پایه بنیادین رکن روانی، مسئولیت و اهلیت جزایی اراده است. در مورد رفتارهای مثبت بزه‌دیده که آزادانه و با اراده آزاد صورت بگیرد می‌توان گفت که انتساب نتیجه مجرمانه را از رفتار مرتکب اصلی قطع نموده به رفتار خود بزه‌دیده منتسب می‌کند.

در مورد ترک فعل اگرچه مشهور بین حقوقدانان این است که نمی‌تواند به عنوان علت مداخله‌گر و قاطع زنجیره علیت باشد. به خاطر اینکه ترک اقدام از لحاظ مادی فاقد نیروی علیتی است؛ لذا نه قدرت قطع زنجیره علیت را دارد و نه توان انحراف آن راه، تارک فعل صرفاً سلطه نظارتی نه سلطه علیتی بر حادثه دارد. متهم اصلی است که با ارتکاب فعلی مجرمانه فرایند علی کافی را برای حدوث معلول (جرم) آغاز کرده است و صرف سلطه نظارتی بزه‌دیده توان زایل کردن سلطه علیتی بزه‌کار را ندارد تا مسئولیت متوجه تارک فعل شود. البته اکثر فقهای اسلامی در مورد ترک فعل در مورد قتل می‌فرمایند

عدم اقدام مقتول برای نجات خود در صورت توان به خاطر وجوب حفظ نفس رابطه علیت را می‌تواند قطع کند و قتل منتسب به خود قربانی می‌شود. بر اساس حقوق ایران هم که برگرفته از فقه می‌باشد اگر قربانی قادر باشد که وضعیت خود را بهبود ببخشد و خود را نجات دهد و اقدامی نکند این عمل ناقض رابطه علیت است اگرچه مرتکب، ضامن جراحات وارده است اما در تشدید وضعیت ضامن نمی‌باشد. به نظر می‌رسد مشکل در خصوص ترک فعل ناشی از تفاوت انفعال و عدم انفعال در کشف ذهنیت بزهکار است؛ چرا که در فعل، ما کاملاً به قصد بزهکار پی‌برده و می‌توانیم وی را شایسته برخورد کیفی بدانیم ولی در ترک فعل احراز این سؤنیت با دشواری روبرو است. شاید به دلیل وجود همین مشکل برخی حقوقدانان بر این نظر اتفاق کرده‌اند که ترک فعل در صورتی که مسبوق به یک فعل باشد می‌تواند از جمله عناصر مادی جرم قتل عمد به حساب آید؛ چرا که در این صورت دیگر احراز قصد مرتکب چندان دشوار نیست.

در مورد شرایط خاص قربانی که آیا موجب نقض رابطه علیت می‌گردد یا خیر در بعضی نظام‌ها همانگونه که بیان شد گفته شده هیچ تأثیری ندارد و بیان شده که قاعده معمول آن است که «متهم باید قربانی خود را همانگونه که هست بپذیرد» اما بر اساس حقوق ایران در بحث عمدی و غیرعمدی بودن قتل در مورد قربانی که شرای خاص دارد، آیا علم متهم به آسیب‌پذیر بودن قربانی تأثیری در انتساب نتیجه مجرمانه به مرتکب را دارد یا خیر در بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات فرض را بر عدم علم می‌داند، اصل این است که علم به شرایط خاص قربانی داشته باشد. رضایت قربانی در بعضی از رفتارها مانند فعالیت‌های ورزشی و اقدامات پزشکی در چارچوب خاصی در صورتی موجب قطع رابطه علیت از فعل مرتکب می‌شود که از سوی فرد دارای اهلیت و به طور آزادانه و با آگاهی کامل ابراز شود. در پایان باید یادآور شویم که در ارتکاب یک جرم عوامل متعددی می‌تواند دخالت داشته باشد و در بررسی دقیق وقایع مجرمانه حتی خود قربانی می‌تواند علت تامه یا جزءالعله به حساب بیاید.

منابع:

- امام خمینی روح‌الله، (۱۳۸۴). تحریر الوسیله، ترجمه: علی اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- یاد ابراهیم، (۱۳۵۲). حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- جوان جعفری عبدالرضا، (جزوه کلاس). حقوق کیفری در کشورهای کامن‌لا (جزوه کلاس). مشهد
- سرخسی، (بی‌تا)، المبسوط، بیروت - لبنان: دار المعرفه للطباعة والنشر والتوزیع
- طاهری نسب سید یزد الله، (۱۳۸۸). رابطه‌ی علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان. تهران: انتشارات دادگستر
- طباطبایی، سید علی، (۱۴۲۲)، ریاض المسائل، قم، ناشر: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ الأولى، ج ۱۶
- قیاسی جلال‌الدین، ساریخانی عادل، خسروشاهی قدرت‌الله، (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- کلاتتری کیومرث، قلیزاده بهروز، (۱۳۹۶). نقش رفتار مقتول در رابطه استناد قتل عمدی. پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره نوزدهم، ۷۳-۹۴
- لفیو واین آر، (۲۰۱۰). سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات‌متحده آمریکا، مترجم: حسین آقایی. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- محسنی فرید، ملکوتی نصیر، (۱۳۹۴). «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم، ۱۳۵-۱۶۰
- موسوی بجنوردی سید محمد، (۱۳۸۵). قواعد فقهیه، ج ۱. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۲)، «تأثیر رضایت در جنایت»، در: علی حسین نجفی ابرندآبادی، دایرة المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران: نشر میزان، صص ۲۹۱-۳۰۰
- نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، تهران، صحیح و تحقیق و تعلیق: رضا الأستاذی، تصحیح: السید ابراهیم المیانجی، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ سوم
- نجیب حسنی محمود، (۱۳۸۵). رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سید علی عباس نیای زارع. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- هارت اچ.ال.آی، هونوره تونی، (۱۳۹۲). سببیت در حقوق (حقوق کیفری)، مترجم حسین آقایی نیا، تهران: بنیاد حقوقی میزان